

The Attitude of Khalq Newspaper Towards the State of Guilds (1330-1332)

Zahra Sargazi^{*}, Mohsen Rahmati^{}**

Alaodin Shahrokhi^{*}**

Abstract

The guilds were one of the important economic groups, who distanced themselves from their traditional role with their widespread presence in the constitutional revolution. They were limited by government policies during the Pahlavi I period, . Tthe Tudeh party, which introduced itself as a supporter of the working classes, and attract them to the Soviet Communists, it published various newspapers such as Shahbaz, and etc. Khalq newspaper owned by Mustafa Lankarani was the organ of Jamiat Azadi Iran, which was launched in order to explain the economic conditions and problems of trade unions. By a descriptive-analytical method , this Study tries to show how the status of guilds is reflected in Khalq newspaper?. The result of the research shows that a considerable amount of articles related to this issue shows the wrong economic policy of the government in the entry of corrupt and bad goods into the country and the closure of domestic workshops, bankruptcy and poverty of guilds, which is due to the lack of a correct economic plan and the lack of coordination of economic and The production of the government created problems for the guilds, including the high cost of production raw materials, and the oppression of municipal and police officials. It has also provided solutions based on encouraging the export of goods based on barter trade with the Soviet Union in contrast to Truman's Four Principles and paying attention to the lives of villagers to increase their purchasing power in line with Soviet communist policies.

Keywords: Khalq Newspaper, Guilds, Tudeh Party, Tradesmen, Soviet Communism.

^{*}department of History, Faculty of literature and humanity sciences, lorestan university, zsargazi7@gmail.com

^{**}Professor department of History, Faculty of literature and humanity sciences, lorestan university (Corresponding Author), rahmati.mo@lu.ac.ir

^{***}Associate Professor department of History, Faculty of literature and humanity sciences, lorestan university, shahrokhi.a@lu.ac.ir

Date received: 2022/01/31, Date of acceptance: 2023/07/18



رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف (۱۳۳۰-۱۳۳۲)

زهره سرگزی*

محسن رحمتی**، علالدین شاهرخي***

چکیده

اصناف ازجمله گروه‌های مهم اقتصادی بازار بودند که با حضور گسترده در انقلاب مشروطه در اولین اقدام دسته‌جمعی سیاسی از نقش سنتی خود فاصله گرفتند و در دوره پهلوی اول با سیاست‌های دولت محدود شدند. پس از اشغال ایران در جنگ دوم جهانی و تشکیل حزب توده، این حزب برای رسیدن به اهداف خود در دوره نهضت ملی ایران ازجمله توجه نشان‌دادن به قشرهای ضعیف جامعه و جلب آن‌ها به کمونیست شوروی به انتشار روزنامه‌های مختلفی ازجمله خلق پرداخت. این روزنامه مجموعه‌مقالاتی بر دو محور بررسی مشکلات اصناف و ارائه راه‌کارهایی برای حل آن‌ها دارد. در پژوهش پیش‌رو، کوشش شده نشان داده شود که رویکرد روزنامه خلق درباره وضعیت اصناف براساس الگوی توصیفی-تحلیلی چگونه بازتاب یافته است. نتیجه پژوهش به‌تعبیر نویسندگان روزنامه بیان‌گر سیاست اقتصادی نادرست دولت در ورود بی‌رویه اجناس به کشور و تعطیلی کارگاه‌های داخلی، ورشکستگی، و فقر اصناف است که مشکلاتی ازجمله گرانی مواد اولیه تولیدی، واردات بی‌رویه، اجحاف مالیاتی، و ستم مأموران شهرداری و شهربانی را ایجاد کرد. هم‌چنین، راه‌کارهایی که ارائه گردید مبتنی بر نوعی از تشویق صادرات کالا براساس تجارت پایاپای با اتحاد جماهیر شوروی درمقابل اصل چهار ترومن و توجه به زندگی روستاییان برای بالابردن قدرت خرید آن‌ها درجهت سیاست‌های کمونیستی شوروی بود.

کلیدواژه‌ها: روزنامه خلق، اصناف، دوره نهضت ملی، پیشه‌وران، کمونیسم شوروی.

* دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، zsargazi7@gmail.com

** استادگروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، rahmati.mo@lu.ac.ir

*** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان، shahrokhi.a@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷



۱. مقدمه

بازار از گروه‌های اقتصادی و اجتماعی مختلفی از جمله اصناف تشکیل می‌شد. صنف دسته‌مستقلی از پیشه‌وران بود که حکومت بر طرز عمل آن‌ها نظارت داشت. در دوره قاجار، نظارت گسترده حکومت بر اصناف همانند گذشته ادامه یافت (اشرف و بنوعیزی ۱۳۸۷: ۴۳). اصناف موضع سیاسی قدرت‌مندی نداشتند، ولی از طریق تهدید به آشوب اجتماعی، شایعه‌پراکنی، رشوه، و تعطیلی بازار نفوذ خود را نشان می‌دادند (فلور ۱۳۹۲: ۵۱). در جنبش تنباکو، برای نخستین بار علیه حکومت وارد عرصه سیاسی شدند و ضمن تثبیت نقش خود زمینه را برای شرکت در انقلاب مشروطه فراهم کردند (کسروی ۱۳۶۳: ۱۱۰). موضوع مالیات همیشه بیش‌ترین تأثیر را در تغییر روابط دولت و اصناف داشت و در دوره پهلوی اول، در گرایش حکومت به محدودکردن اصناف مؤثر واقع گردید (لمبتن ۱۳۶۰: ۵۰). پس از تشکیل حزب توده در سال ۱۳۲۰، تأسیس کارگاه‌های مشترک برای ترقی محصولات صنعتی و بهبود وضع اقتصادی پیشه‌وران در اولین برنامه حزب قرار گرفت (حزب توده ایران ۱۳۶۰: ۶۷). درطول زمامداری مصدق میان رهبران حزب توده بر سر حمایت یا عدم حمایت از دولت مصدق اختلاف نظر وجود داشت. گروهی معتقد بودند که حزب باید به جبهه ملی کمک کند تا در مبارزه علیه انگلیس پیروز شود. گروهی دیگر با این نظر مخالف بودند و مصدق را رهبر بورژوازی وابسته می‌خواندند (آبراهامیان ۱۳۷۷: ۲۹۰-۲۹۱)، اما نظر غالب در حزب توده چنین بود که هرکسی را که در طیف خود نمی‌دید او را در صف دشمنان و در اردوی سرمایه‌داری می‌پنداشت. توده‌ای‌ها درطول دوران حاکمیت مصدق با برگزاری اعتصاب و تظاهرات به تحریکات دامن می‌زدند و زمینه ناامنی اجتماعی را فراهم می‌آوردند (کشاوری ۱۳۷۹: ۲۵۷). این حزب برای جلب نظر اصناف جمعیت آزادی ایران به مدیریت مصطفی لنگرانی را تشکیل داد. از فعالیت‌های این جمعیت اطلاع چندانی در منابع وجود ندارد، ولی ارگان این جمعیت، روزنامه خلق، به‌عنوان یک آینه تمام‌نمایی از وضعیت و مشکلات اصناف عمل کرد. این روزنامه در زمان توقیف در چند شماره با عنوان «پیشه‌وران ما» و صاحب‌امتیازی م. میرفخرایی نیز منتشر شد. پرسش محوری پژوهش حاضر عبارت است از آن‌که روزنامه خلق در دوران نهضت ملی ایران چگونه رویکردی نسبت به وضعیت اصناف داشت؟

درباره این موضوع آثاری نگاشته شده که می‌توان به‌عنوان پیشینه در نظر گرفت. گروه اول تحقیقاتی که با تحولات و حوادث سیاسی-اجتماعی ایران پس از جنگ جهانی دوم مرتبط هستند (آبراهامیان ۱۳۷۷؛ رحمانیان ۱۳۹۱) در بخشی از مطالب خود درباره فعالیت اصناف در

این دوره مطالبی گفته‌اند. گروه دوم شامل پژوهش‌هایی می‌شود که به تحولات اصناف در یک دوره خاص تاریخ ایران از جمله قاجار پرداخته‌اند (عیسوی ۱۳۶۲). گروه سوم پژوهش‌هایی که به طبقات اجتماعی در ایران اشاره کرده‌اند (کوزنتسوا ۱۳۵۸؛ اشرف و بنوعیزی ۱۳۸۷). سهم مطالعات مربوط به اصناف و معضلات پیش‌روی آن‌ها به عنوان یکی از عناصر مهم جامعه بازار در مطالعات دوره نهضت ملی ناچیز به نظر می‌رسد. وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات ذکر شده آن است که با تمرکز بر وضعیت اصناف در دوره نهضت ملی ایران با تأکید بر روزنامه خلق خلأ موجود در این زمینه به طریق توصیفی - تحلیلی برطرف گردد. در منابع جستجوگریده به اصناف این دوره اشاره شده است، ولی هیچ منبعی مانند روزنامه خلق وضعیت اصناف را بررسی نکرده است.

۲. جایگاه اجتماعی اصناف در دوره پهلوی

در طول تاریخ ایران، اصناف به صورت تشکیلات مستقل بازار با دولت ارتباط داشتند. در رأس هر صنف رئیس و چند استادکار بودند. رئیس وظیفه سرشکن کردن مالیات میان اعضای یک صنف، گردآوری مالیات صنفی، نظارت بر آموزش استادان به شاگردان، و ایفای نوعی واسطه میان تجار و پیشه‌وران را برعهده داشت. هر استادی می‌توانست شاگردانی برای خود داشته باشد که اغلب این شاگردان پسران استادان همان صنف بودند (کیوانی ۱۳۹۲: ۹۵). پیشه‌وران معمولاً به دادگاه شرع، که برای آن‌ها گاهی گران تمام می‌شد، مراجعه نمی‌کردند و دادگاه صنفی را، که رایگان بود، برتری می‌دادند (اشرف ۱۳۵۹: ۳۳). ورود کالاهای فرنگی در دوره قاجار و آشنایی مردم ایران با تکنولوژی جدید در بسیاری از موارد تمایل مردم به کالاهای داخلی را کاهش داد (شیرین‌بخش ۱۴۰۰: ۲۰). اصناف در حکومت رضاشاه از دخالت گسترده دولت در فعالیت‌های بازرگانی و نوسازی شهری ناراضی بودند (همان: ۸۰). به نظر می‌رسد در این زمان همانند سایر گروه‌ها، از جمله نیروهای مذهبی، تلاش‌هایی از سوی اصناف برای بازگشت به صحنه سیاسی و اجتماعی صورت گرفت، هرچند هیچ‌گاه به دوره مشروطه و حضور اصناف در آن شبیه نشد. دولت با اجرای قانون انحصار تجارت خارجی در سال ۱۳۰۹ تاحدودی واردات را کاهش داد و برای حل مشکلات اقتصادی سیاست صنعتی‌سازی جای‌گزین واردات را در پیش گرفت تا از خروج مقدار زیادی ارز از کشور جلوگیری کند (آپتون ۱۳۶۱: ۸۹). این برای پیشه‌وران بد نبود.

۳. روزنامه خلق و اصناف

در پی سقوط رضاشاه و اشغال کشور توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، شوروی با بهره‌گیری از عوامل مساعدی چون وجود نیروهای خود در شمال ایران و اوضاع نابه‌سامان کشور در ۱۵ مهر ۱۳۲۰ حزب توده را تأسیس کرد (ذبیح ۱۳۷۸: ۱۵). این حزب در ابتدا از اعضای اصلی گروه تقی ارانی تشکیل شد و ریاست آن به سلیمان میرزا اسکندری واگذار گردید که رویه احتیاط‌آمیزی در پیش گرفت و وفاداری خود را به قانون اساس اعلام کرد، ولی به تدریج کمونیست‌های طرفدار شوروی قدرت را در حزب به دست گرفتند (آوری ۱۳۸۲: ۲۳۱). انتشار مطبوعات منظم یکی از سلاح‌های مهم حزب توده برای جلب به مرام کمونیستی بود (بختیار ۱۳۳۶: ۲۹۰). این رویه تا سال‌های منتهی به مرداد ۱۳۳۲ همراه با فعالیت‌های مخفیانه حزب ادامه یافت و با تشکیل گروه‌هایی مثل جمعیت ملی مبارزه با استعمار، سازمان جوانان، سازمان زنان، جمعیت ایرانی هواداران صلح، و جمعیت آزادی ایران، که در ظاهر مستقل از حزب بودند، ادامه یافت. جمعیت آزادی ایران در سال ۱۳۲۹ حیات اجتماعی خود را آغاز کرد. بنابه ادعای این جمعیت، فشار طاقت‌فرسا و ظلم و اجحافی که بر اثر توسعه روزافزون نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی در کشور به طبقات عظیم مردم می‌شد حس مسئولیت مبارزه جدی علیه نفوذ امپریالیست‌ها را به وجود آورد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ الف). در این میان، روزنامه خلق، ارگان جمعیت آزادی ایران، به مدیریت مصطفی لنگرانی، که درباره اتحاد پیشه‌وران و خطر واردات خارجی و انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت گفت‌وگو می‌کرد، در ۸۲ شماره از ۶ مهر ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ انتشار یافت. این روزنامه با تمام قوا سعی داشت تا به انحای مختلف از فعالیت‌های اقتصادی دولت جلوگیری کند. معدودی از کشورهای تولیدکننده نفت و در حقیقت معدودی از کشورهای تولیدکننده مواد خام اولیه تجربه‌ای مانند ایران حداقل ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ در کاهش ناگهانی و شدید درآمدهای ارزی را از سر گذرانده‌اند؛ تجربه‌ای متعاقب ملی کردن صنعت نفت و پی آمد آن تحریم بین‌المللی نفت ایران (رجبی ۱۳۹۴: ۱۳).

۴. مشکلات اصناف

اصناف همیشه به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بازار دچار مشکلاتی بودند. این مشکلات چه به صورت مشترک و چه جدا آن‌ها را به هم مرتبط می‌کرد که در ادامه به این مشکلات با رویکرد روزنامه خلق پرداخته می‌شود.

۱.۴ مشکلات مشترک

با افزایش فشار حکومت برای درآمدزایی از تولیدات شهری، کسری موازنه تجاری ایران، و کاهش تعرفه‌های واردات پیشه‌وران در وضعیت شکننده‌ای قرار گرفتند و توانایی‌های آنان در عرصه رقابت و حضور در بازارهای داخلی کاهش یافت (یوسفی‌فر ۱۳۸۹: ۷۶). در دوره پهلوی اول، ادامه روند واردات، تغییر ذائقه مردم، تأسیس کارخانه‌های جدید، و تلاش دولت برای راه‌اندازی صنایع دستی بدترین لطمه را از تولید صنعتی و واردات مصنوعات خارجی به اصناف وارد آورد (فوران ۱۳۹۲: ۳۵۸). به همین منظور، دولت با هدف تشویق ایرانیان به استفاده از تولیدات داخلی اقداماتی از جمله اجبار کارمندان به پوشیدن پارچه‌های ساخت ایران، احداث کارخانه‌های چغندرقند، ایجاد نمایشگاه‌هایی برای کالاهای وطنی، و اعطای امتیازات مالیاتی را انجام داد (پیردیگار و دیگران ۱۳۷۸: ۹۴-۹۵). پس از جنگ جهانی دوم، ایران هم‌چنان صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای خارجی باقی ماند. طبق تصویب‌نامه شماره ۴۹۸ سال ۱۳۲۷، مؤسسات و ادارات دولتی حق نداشتند کالاهایی را که تهیه آن‌ها در داخل کشور میسر است از کشورهای خارجی وارد کنند (روزنامه عصر/اقتصاد ۱۳۳۰ ب).

گرانی بهای برق به‌عنوان یک ماده اولیه برای راه‌اندازی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها یکی دیگر از مشکلات موجود بود (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ث؛ روزنامه خلق ۱۳۳۱ ف؛ روزنامه خلق ۱۳۳۱ ق). اصناف برای کار تولیدی خود احتیاج به کنتور سه‌فاز داشتند، ولی این کنتور اختصاص به اعیان و اشراف داشت. در نتیجه، گرانی قیمت برق باعث گردید که اکثر صاحبان صنایع و کارگاه‌ها برق موردنیاز خود را از مغازه‌ها و کسانی که برق دارند به‌بهای چند برابر تأمین کنند (روزنامه خلق ۱۳۳۲ د). دزدی از مغازه‌ها یکی از مشکلاتی بود که پیشه‌وران مجبور شدند به فکر حفظ و نگهداری اموال و دکان‌های خود باشند. برای این منظور، اصناف و بازرگانان هفته‌ای یک بار کشیک را برعهده گرفتند و حتی به کسانی که حاضر بودند این کار را انجام دهند نفری پنج ریال برای یک شب پول می‌پرداختند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ و). گرفتن پول از اصناف به‌وسیله شهربانی در این دوره نیز وجود داشت (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ز). عدم دریافت وام از بانک‌ها از مشکلات دیگری بود که وجود داشت. بانک‌ها به بازرگانان بزرگ واردکننده اجناس خارجی تا سقف یک میلیون تومان وام می‌دادند، ولی از دادن وام به اصناف و پیشه‌وران به‌عنوان عدم اعتماد و نداشتن قدرت خودداری می‌کردند (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ح). یکی از این بانک‌ها بانک پیشه و هنر بود که دلالت و مالکان هیئت‌مدیره بانک را قبضه کرده بودند. این بانک در اغلب کشورها کلیه نیازهای کشاورزان و پیشه‌وران را برطرف می‌کرد، ولی در ایران

در ظاهر متعلق به تولیدکنندگان داخلی بود و در جهت پرکردن جیب سرمایه‌داران بزرگ و دلالتان خارجی فعالیت داشت (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ی). هم‌چنین، بانک صنعتی نیز به امور غیرصنعتی وام می‌داد (روزنامه عصر/اقتصاد ۱۳۳۰ ر).

پیشه‌وران همیشه سعی داشتند که حق سرقفلی را نصیب خود کنند، ولی این حق فقط برای مالکی وجود داشت که دارای میلیون‌ها ریال مستغلات در نقاط مختلف بود. یک پیشه‌ور جزء، که با هزاران زحمت سرمایه‌ای را فراهم می‌آورد و موفق به رونق کسب‌وکار می‌گردید، نمی‌توانست از مزایایی که خودش به‌وجود آورده بود استفاده کند؛ زیرا حق سرقفلی فقط به مالک داده می‌شد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ط).

موضوع مبارزه با قاچاق کالا، که از بندرها و شهرهای مرزی برای انجام مقاصد خود استفاده می‌کردند، همیشه موردتوجه اداره گمرک قرار داشت. ایران دوره پهلوی نیز از این امر مستثنا نبود و پدیده قاچاق کالا مشکلات بسیاری در تولیدات و توسعه صنایع داخلی ایجاد می‌کرد (صدرزاده ۱۳۴۶: ۳۱۸). ازجمله مسائلی که در زمینه مشکلات اصناف در روزنامه خلق بازتاب یافت همین مسئله قاچاق کالا بود. یکی از نویسندگان مجله در مقاله‌ای با عنوان «مرزهای کشور برای ورود سیل آسای کالاهای قاچاق باز است» از قاچاق کالا با عنوان سیل بنیان‌کن صنایع جوان ملی یاد می‌کند و عامل ورود کالاهای قاچاق را نه تنها پلیس گمرک، بلکه کمک مستقیم متنفذان محلی و خان‌ها و مالکان بسیار بزرگ جنوب و حتی بسیاری از عوامل دولتی بیان می‌دارد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ع). بازبودن مرزهای جنوب به‌روی قاچاق‌چیان باعث می‌شد که انواع کالاهای قاچاق از طریق کشورهای سوریه، لبنان، و عراق وارد ایران شود و گمرک، مأموران گارد مسلح مرزی، و مقامات قضایی مانع ورود این اجناس نمی‌شدند (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ب). ورود کالاهای قاچاق بدون پرداخت عوارض گمرکی زبان‌های مختلفی ازجمله کسر عایدات دولت از گمرک را به‌وجود می‌آورد (روزنامه عصر/اقتصاد ۱۳۳۰ ش). در نتیجه، یکی از علل ورشکستگی پیشه‌وران ایرانی توسعه بیش از حد قاچاق کالا بود. روزنامه خلق از طرف پیشه‌وران و اصناف از دولت می‌خواست که به این اوضاع خاتمه دهد و مرزهای کشور را به‌روی اجناس قاچاق ببندد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ه).

کاهش اجاره‌بها یکی دیگر از مشکلاتی بود که حتی قبل از جنگ جهانی اول قسمت اعظم مطالبات اصناف را شامل می‌شد (رجایی ۱۳۸۴: ۲۵۴). در دوره نهضت ملی، دولت به‌علت کسر بودجه نمی‌توانست به تقلیل اجاره‌بها بپردازد (روزنامه صفا ۱۳۳۱). البته، از نظر نویسندگان روزنامه خلق، دولت با حمایت از مالکان بزرگ، به دلیل این‌که بسیاری از اولیای

امور دولت خود صاحب مستغلات بزرگ بودند، از تقلیل اجاره‌ها خودداری می‌کرد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ع). با این حال، اصناف پس از گرفتن اختیارات دولت از مجلس در سال ۱۳۳۱ به دلیل گرانی کرایه مغازه و مستغلات خواستار تقلیل اجاره‌ها تا سقف ۵۰ درصد شدند (روزنامه به‌سوی آینده ۱۳۳۱). دولت بعد از آن که در برابر مطالبه به‌حق پیشه‌وران و مستأجران دیگر نتوانست سکوت کند دست به تهیه لایحه تقلیل ۱۰ درصد کرایه‌ها تا سه هزار ریال زد. روزنامه خلق این کار دولت را خیلی بیش‌تر به مسخره کردن صدها هزار کرایه‌نشین دانست و خواستار کاهش نصف اجاره‌ها گردید (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ر). ولی بر اثر بحران اقتصادی دولت نسبت به تقلیل اجاره‌ها کوتاهی داشت که با تشکیل کمیسیونی از طرف دولت نیز مشکل حل نگردید (روزنامه شهیار ۱۳۳۱ الف). نویسندگان روزنامه هدف از تشکیل این کمیسیون را تأمین منافع مالکان اعلام کردند که حل‌کننده مشکل اجاره‌ها و تنظیم‌کننده عادلانه روابط موجر و مستأجر نیست (روزنامه خلق ۱۳۳۱ د). در نتیجه، پیشه‌وران و کسبه جزء با گرانی کرایه‌ها مشغول دست‌فروشی در کنار خیابان‌ها شدند (روزنامه نیروی سوم ۱۳۳۱).

یکی از علل تشکیل اصناف را می‌توان خدمت‌رسانی به سیستم مالیاتی حکومت‌ها دانست. در دوره پهلوی، اصناف در مواجهه با زیادی‌خواهی‌های مأموران دولتی آسیب‌پذیر شدند (آپتون ۱۳۶۱: ۱۲۵). هرچند در این زمان قانون الغای مالیات صنفی را تصویب کردند، ولی در عمل با دشواری‌هایی از جمله طولانی شدن زمان اجرای آن روبه‌رو شدند. هم‌چنان‌که تا مدت‌ها مردم از پرداخت مالیات صنفی شکایت داشتند (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی). در دوره نهضت ملی نیز پیشه‌وران از دست مأمور مالیات بر درآمد امنیت نداشتند و روزنامه خلق از دولت می‌خواست که مانند گذشته میزان پرداخت مالیات بر درآمد پیشه‌وران و کاسب‌کاران جزء را به نمایندگان واقعی آن‌ها واگذار کند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ الف). نویسندگان مقالات این روزنامه می‌کوشیدند نشان دهند که گرفتن مالیات‌های غیرقانونی از کارگاه‌ها و صنایع کوچک توسط دولت هدفی جز از بین‌بردن و خواباندن کارگاه‌ها و صنایع داخلی در جهت تأمین سیاست‌های امپریالیستی ندارد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ د).

یکی دیگر از مشکلات اصناف تماس با مأموران دارایی و سرگردانی در وزارت دارایی و گذراندن وقت در کمیسیون‌های مختلف بود. بدین منظور، دولت طبق تصویب‌نامه‌ای تعیین مقدار مالیات بر درآمد سالیانه پیشه‌وران، صنعت‌گران، و بازرگانان جزء را در اختیار اتحادیه‌های اصناف گذاشت که بیش‌تر در جهت تأمین منافع سیاسی دولت بود (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ح). با اعتراض‌های صورت گرفته، اصلاح آیین‌نامه مالیات میان نمایندگان اصناف و نخست‌وزیر

موردمذاکره قرار گرفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱ الف). به همین منظور، دولت در سال ۱۳۳۲ طرحی برای دریافت مالیات مقطوع اصناف و پیشه وران تهیه کرد. در این طرح، نمایندگان اصناف حق داشتند در کمیسیون های مالیاتی شرکت کنند و درباره مالیات اصناف و پیشه وران اظهار نظر کنند (روزنامه کیهان ۱۳۳۲ الف). ولی، باوجود این اقدامات، دولت هم چنان به عدم حمایت از اصناف توسط این روزنامه متهم می گردید.

۲.۴ مشکلات مجزای اصناف

نویسندگان روزنامه خلق علاوه بر این که به مشکلات مشترک اصناف اشاره داشتند به صورت جداگانه نیز مشکلات هر صنف را مورد بررسی قرار می دادند. پرشدن بازار تهران از منسوجات خارجی به خصوص پارچه های ایتالیایی، که بیش تر ظاهر فریبنده و مشتری پسندی داشتند، یکی از مشکلات صنف منسوجات بود (روزنامه پیشه وران ما ۱۳۳۲ الف). منسوجات خارجی علاوه بر این که از لحاظ قیمت با پارچه های ساخت کارخانه های داخلی فرقی نداشتند پوسیده نیز بودند، ولی چون قیمت آن به پارچه های تولید داخل نزدیک بود مردم از این منسوجات استقبال می کردند (روزنامه خلق ۱۳۳۲ ه).

در زمینه صنعت بلور واردات بی رویه بلور از آمریکا اهمیت داشت. صاحبان کارخانه های بلوری آمریکا بیش تر نقش دلال و فروش محصولات کارخانجات بلورسازی آمریکا در ایران را برعهده داشتند. این واردکنندگان با استفاده از مزایای دستگاه های اداری، اعتباری، و مالی دولت در فروش و توزیع محصولات بلوری کشور مؤثر بودند (همان). یکی دیگر از مشکلات در صنعت بلور وجود دلالان داخلی بود (روزنامه پیشه وران ما ۱۳۳۲ الف).

صنف چرم سازی نیز مشکلات عدیده ای را پیش رو داشت. کارخانه های چرم سازی فقط به یک تاجر فروش داشتند. قیمت مواد شیمیایی مصرفی کارخانه به علت این که دولت سهمیه وارداتی را مطابق احتیاجات واقعی کارخانجات داخلی تنظیم نمی کرد افزایش یافته بود. هم چنین، قیمت کاغذ تورنسل مورد نیاز کارخانه های چرم سازی توسط دولت حدود ۳۰ درصد تعرفه گمرکی آن افزایش داشت (روزنامه خلق ۱۳۳۲ ه). بیش تر پوست مورد نیاز کارخانجات چرم سازی را گله داری ایران تأمین نمی کرد و هر ساله از هندوستان و پاکستان وارد می شد (روزنامه کیهان ۱۳۳۱ الف). بر اثر بحران اقتصادی، که در کشور ایجاد شده بود، به موازات گران شدن ارز، روپیه هم در بازار تهران افزایش قیمت داشت (روزنامه کیهان ۱۳۳۱ ب) که مشکل دیگری را ایجاد می کرد. روزنامه در گفت و گو هایی که با صاحبان چرم سازی انجام

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۱۶۳

می داد به بی توجهی قصاب ها در جداکردن پوست از دام نیز به عنوان یکی دیگر از مشکلات اشاره داشت. درحالی که دولت می توانست با تجهیز قصاب خانه ها به ماشین های مخصوصی که پوست را از لاشه جدا می کنند کارزدگی پوست را کم تر کند (روزنامه خلق ۱۳۳۲ ه). مشکل دیگر کارگاه های چرم سازی انتقال کارگاه به بیرون از شهر بود. در این نقل و انتقال، بیش از نصف سرمایه کارگاه ها از بین می رفت و چون محل جدید را هم باید خریداری می کردند در شرایط بحران اقتصادی این مقدار سرمایه را در دسترس نداشتند و از این جهت مورد اوجاف دولت قرار می گرفتند (روزنامه خلق ۱۳۳۲ ج).

تلاش روزنامه خلق برای بیان مشکلات اصناف شامل واردات بی رویه دارو نیز بود. واردکننده های دارو اغلب وکلای مجلس و اعیان دولت و افراد بانفوذ بودند. هم چنین، سود سرشار داروهای اختصاصی را واردکننده دارو می برد، در صورتی که اگر ترکیبات همان شیشه وارداتی را داروساز خودش می ساخت، اولاً نصف قیمت هم تمام نمی شد و ثانیاً نفع داروساز هم دو برابر می شد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ک). گاهی این داروها اجازه مصرف در کشور صادرکننده را نداشتند و تقلبی بودند و فقط برای کشورهای خارجی ساخته می شدند (روزنامه کیهان ۱۳۳۱ ج). این قبیل داروهای خارجی منبع سود سرشاری برای سرمایه داران خارجی و دلالت داخلی آنها بود (روزنامه کیهان ۱۳۳۱ د). در همین جهت، از دولت خواسته می شد که از اشکال تراشی در کار داروسازها خودداری کند و علائم پیش نهادی داروسازان را ثبت و با مطالعه در نواقص و احتیاجات لابراتورهای داخلی وسایل پیشرفت و حمایت صنعت داروسازی را فراهم آورد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ر). به این ترتیب، داروسازها به جای این که دارو را بسازند به دلال دارو تبدیل شده بودند.

آن گونه که از مطالب روزنامه مستفاد می شود، صنف کفاش از حیث شکل کار و تعداد مغازه ها و کارگاه های کفاشی بزرگ ترین صنف پیشه ور بودند که با گرانی جنس چرم روبه رو بودند. اغلب جنس مورد نیاز کفاش ها را برای این که گران تر به فروش برسد به بازار نمی آورند. کفاشان نیز مجبور بودند جنس را ندیده معامله کنند و قیمت جنس چرم نیز لحظه به لحظه تغییر می کرد. برای مثال، کفاش ممکن بود چرم نمرة ۳ خسروی را خریداری کرده باشد، ولی پس از دو ساعت به علت افزایش قیمت چرم ری برای او فرستاده شود (روزنامه خلق ۱۳۳۱ د).

قیمت نان همیشه مسئله ای بود که مردم را به رویارویی با دولت برمی انگیزخت. نانواها در این دوره نیز گاهی به عنوان کمبود نان در شهر، گاهی به بهانه خراب بودن نان، و زمانی به نام گران فروشی از جانب دولت تحت فشار بودند (همان). یکی از مشکلات حداقل فاصله دو

نانوایی بود که گاهی به چند قدم نیز می‌رسید (روزنامه خلق ۱۳۳۱ م). دکان‌های آردفروشی به هر قیمتی آرد را عرضه می‌کردند. نانوا مجبور بود در موقع گرانی و ارزانی آرد نان را به قیمت تعیین‌شده توسط دولت، که پنج ریال بود، در دست‌رس مردم قرار دهد (روزنامه کیهان ۱۳۳۱ ه)، ولی هم‌چنان به آردفروش‌ها، محتکران، و مالکان بزرگ اجازه داده می‌شد آرد را احتکار و گران کنند یا جنس آن را خراب کنند و به‌فروش برسانند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ن). کوتاهی دولت در خرید غله و جمع‌آوری آن در سیلوها نیز باعث شده بود که هرچه از موجودی سیلوها کم می‌شد به همان نسبت مالکان و دارندگان غله قیمت آن را گران‌تر می‌کردند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ب). بااین‌حال، دولت به فروش نان به همان قیمت ثابت تأکید داشت و مشخص نبود چرا به مشکلات صنف نانوا رسیدگی نمی‌کند.

چای‌فروشان نیز با مشکلات مختلفی روبه‌رو بودند. سازمان برنامه برای رفع مشکل فروش چای شرکت چای را ایجاد کرده بود تا به وضع نامطلوب گذشته چای خاتمه دهد (روزنامه عصر/اقتصاد ۱۳۳۰ د)، ولی این شرکت قیمت خریداری از زارعان را پرداخت نمی‌کرد و تولیدکنندگان چای وقتی می‌دیدند از فروش خود چیزی عایدشان نمی‌شود دیگر به فکر زراعت، توسعه، و تولید محصول چای نبودند. در نتیجه، پیشه‌وران جزء، که در روستاها و شهرها به خرید و فروش چای مشغول بودند، کار خود را از دست می‌دادند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ و). برای حل این مشکل شرکت چای در برابر فروش محصول حواله‌هایی را در اختیار چای‌کاران قرار می‌داد، ولی بسیاری از آن‌ها بر اثر استیصال و احتیاج شدید حواله‌های خود را زودتر از موعد در بازار سیاه به‌فروش می‌رساندند که این کار به تولید چای لطمه بزرگی وارد می‌کرد. از جمله کارخانه‌هایی که کارشان بستگی به تولید چای داشت و کارگران در آن به‌کار مشغول بودند بر اثر این وضع دیگر قادر به کارکردن نبودند. تجاری هم که سرمایه خود را در راه خرید و فروش و تولید چای قرار داده بودند ضرر می‌کردند (همان). شرکت چای سازمان برنامه نه تنها برای این صنف کاری انجام نمی‌داد، بلکه بر مشکلات آن‌ها نیز می‌افزود.

زندگی و کسب‌وکار صنعت برنج‌کار نیز هر روز دست‌خوش بی‌نظمی‌هایی می‌شد. ماده اولیه مورد احتیاج کارگاه‌های این صنف برنج صنعتی بود که به وسیله اداره تسلیحات تهیه و به‌فروش می‌رسید (روزنامه کیهان ۱۳۳۱ و). بالا رفتن ناگهانی و بدون علت قیمت برنج وضع کار، تولید، و فروش این صنعت را مختل می‌کرد. اداره تسلیحات به‌خاطر سوءاستفاده و پرکردن جیب متصدیان خود به جای این که برنج تهیه‌شده را بدون واسطه به‌فروش برساند با هم‌دستی در اختیار چند دلال قرار می‌داد و آن‌قدر در آوردن برنج صنعتی به بازار تعلل می‌کرد تا این فلز

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۱۶۵

در بازار کم‌یاب می‌شد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ج). با این شرایط، برنج‌کاران ناچار بودند برنج مورداحتیاج خود را از دست دوم و سوم خریداری کنند و بهای تمام‌شده محصولات آن‌ها افزایش می‌یافت و در بازار به‌فروش نمی‌رسید. در نتیجه، گروه زیادی از سماورسازها و سینی‌سازها ورشکست می‌شدند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ز). دولت نیز مشکل افزایش قیمت برنج را به وزارت جنگ مربوط می‌کرد، در صورتی که وزارت جنگ در این مورد پاسخ‌گو نبود.

دست‌فروش‌ها یکی دیگر از اصنافی بودند که در مقالات روزنامه به آن‌ها اشاره می‌شود. وضع این صنف آن‌قدر فلاکت‌بار بود که تنها به‌میل رئیس شهرداری یا کلاتری ناچار بودند از محلی به محل دیگر کوچ کنند (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ز). اغلب این دست‌فروش‌ها کارگران، پیشه‌وران، و صاحبان صنایع کوچک و کارگاه‌هایی بودند که بر اثر واردات کالاهای خارجی کار و پیشه خود را از دست داده و برای تأمین زندگی و جلوگیری از تکی‌گری دست‌فروشی می‌کردند. رسیدن فصل سرما و زمستان هم یکی دیگر از مشکلات آن‌ها بود (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ج).

صنعت کش‌بافی به انواع نخ‌های پنبه‌ای، پشمی، و ابریشمی خوب و ثابت‌ترین و سالم‌ترین رنگ‌ها نیاز داشت. مواد اولیه مورداحتیاج این صنف را کسانی تهیه می‌کردند که عاری از اطلاعات لازم بودند و انگیزه آن‌ها از تهیه مواد مزبور فقط سودجویی و سوداگری بود. نخ کم‌دوام و رنگ‌های نامطلوب زیادی به کشور وارد می‌شد (روزنامه خلق ۱۳۳۲ ز). دولت به‌جای این که سهمیه وارداتی مواد اولیه مردم‌مصرف کارخانه‌های کش‌بافی را در اختیار صاحبان کارگاه‌ها قرار دهد این سهمیه را در اختیار چند تاجر واردکننده قرار داده بود (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ش). با تصویب اختیارات دولت در سال ۱۳۳۱، روزنامه خلق به‌موجب این اختیارات از دولت خواست لایحه قانونی جدیدی تنظیم و تصویب کند که کارخانجات کش‌بافی که جدید تأسیس می‌شوند و کم‌تر از پنجاه دستگاه بافندگی دارند، تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف گردند (روزنامه پیشه‌وران ما ۱۳۳۲).

از اصناف دیگری که با اجحاف دولت در ورود بی‌رویه کالای خارجی روبه‌رو بودند می‌توان به رنگ‌رزی (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ط و س)، فلزکاری (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ه و و)، دوزندگی (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ه)، چاپ‌خانه‌ها (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ص)، صابون‌سازی (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ش و ت)، و روغن‌کشی (روزنامه خلق ۱۳۳۱ س و ف) اشاره کرد.

در این دوره، کم‌یابی و گرانی قند و شکر به‌صورت دردی بر دردهای پیشه‌وران و طبقات محروم بود. این کم‌یابی از یک‌طرف مربوط به کاهش ذخیره قند و شکر در انبارهای دولتی و

از طرف دیگر مربوط به نحوه کار شرکت سهامی قند و شکر وابسته به سازمان برنامه بود (روزنامه عصر/اقتصاد ۱۳۳۰ د). این شرکت هزاران تن قند و شکر محصول داخلی را در انبارهای خود ذخیره می کرد و به قیمت دولتی در اختیار وزارت دارایی قرار نمی داد. سازمان برنامه اصولاً خود را سازمان تولیدی و جدا از دستگاه اقتصادی دولت می دانست و به همین علت، قند و شکرهایی که در کارخانجات دولتی تولید می شد جز مقدار کمی که به وزارت دارایی تحویل می گردید بقیه مستقیماً از طریق خود سازمان در اختیار چند نفر به قیمت بازار سیاه قرار می گرفت (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ب). بنابراین، قند و شکر اغلب به صورت جیره بندی وجود داشت.

بنابه نوشته روزنامه خلق، صنف گوشت فروش مشکلات مختلفی داشت. مغازه های گوشت فروشی به جز تعدادی هیچ کدام متعلق به گوشت فروش ها نبود. این صنف در واقع از طرف چند نفر سرمایه دار بزرگ اجیر می شدند و برای آن ها در دکان های قصابی گوشت می فروختند و همه درآمد هم به جیب سرمایه داران بزرگ می رفت. این سرمایه داران با پول های کلانی که داشتند، با رشوه هایی که به اولیای شهرداری می دادند، به هر شکلی که می خواستند مسئله گوشت را به سود خود و به ضرر مردم مصرف کننده حل می کردند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ م). یکی دیگر از مشکلات گوشت فروش ها با قصاب ها حق چارک بود، به این ترتیب که چوب دارها وقتی گوسفند یا بز را به قصاب می فروختند بابت پاچه، سم، گل، و مویی که به آن چسبیده بود یک چارک گوشت را کاهش می دادند و قیمت آن را نمی گرفتند. اما همین قصاب ها درباره گوشت فروش ها این گونه عمل نمی کردند و گوشت را با پاچه و سم می فروختند و قیمت آن هم مثل قیمت گوشت حساب می شد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ع) که در نهایت به ضرر گوشت فروش ها بود.

۵. انتقاد از عملکرد دولت

حمایت دولت از صنایع نتیجه معکوس داشت؛ زیرا بدون مطالعه و دل سوزی اقدام می کرد. مثلاً در زمینه صنعت پوست، زمانی که صدور پوست داخلی را تا دو ماه منع می کرد، فرصت خوبی برای تجار به وجود می آمد تا با خالی کردن بازارهای خارجی از پوست بعد از این مدت پوست هایی را که به قیمت ارزان تهیه کرده اند یک دفعه صادر کنند و این بار علاوه بر این که پوست نایاب می شد قیمت آن دو برابر قیمت سابق می گردید (روزنامه پیشه وران ما ۱۳۳۲ الف). با تصویب اختیارات دولت در دوره نهضت ملی، کارخانجات کش بافی جدیدی که تأسیس می شدند اگر کم تر از پنجاه دستگاه بافندگی داشتند تا پنج سال از پرداخت مالیات

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۱۶۷

معاف بودند، ولی در شرایط بحران اقتصادی اغلب کارخانجات کشبافی تعطیل و هیچ‌گاه مؤسسه جدیدی تشکیل نمی‌شد تا از مقررات و مزایای این لایحه به‌رمند شود (روزنامه پیشه‌وران ما ۱۳۳۲ ب). نویسندگان مقالات خلق معتقد بودند که دولت پس از گرفتن اختیارات نیز مشکلات صنفی را برطرف نمی‌کند. در نتیجه مشکلاتی که وجود داشت دولت از محل اصل ۴ ترومن تصمیم گرفت قند و شکر را از آمریکا وارد کند، ولی قند و شکر که از این طریق خریداری می‌شد به‌علت بعد مسافت زمان زیادی طول می‌کشید تا به مقصد برسد و مدت‌ها در بنادر و گمرکات جنوب باقی می‌ماند. دولت آمریکا نیز در این مبادله جنس تحویل نمی‌گرفت و ارز کشور را دریافت می‌کرد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ب) که خروج ارز به نفع اصناف و اقتصاد کشور نبود.

در سال ۱۳۳۰، دولت برای مقابله با بحران اقتصادی به انتشار اوراق قرضه برای بهبود وضعیت پیشه‌وران و سایر گروه‌ها پرداخت، ولی روزنامه خلق هدف از انتشار اوراق را در جهت خرید توپ و تانک از آمریکا بیان می‌کرد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ و). پس از انتشار برنامه جدید اقتصادی دولت در سال ۱۳۳۱ نویسندگان روزنامه خلق با تحلیل این برنامه آن را حاوی فرمول‌های کلی و عدم توجه به صنایع و تولیدکنندگان داخلی نشان دادند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ د). این برنامه دست سرمایه‌داران خارجی را در ورود کالاهای مختلف باز می‌گذاشت که به‌زیان اصناف و پیشه‌وران عمل می‌کرد.

انعقاد قراردادهای پایاپای بیش‌تر با کشورهایی مانند پاکستان و هند بود. این روزنامه سعی داشت که دولت را تشویق کند تا قراردادهای پایاپای با کشورهایی بسته شود که حاضر هستند درازای ماشین‌آلات و کارخانه کالا دریافت کنند (روزنامه کیهان ۱۳۳۲ ب). البته، این روش در جهت سیاست‌های اقتصادی شوروی عمل می‌کرد؛ زیرا در آن زمان شوروی صادرکننده صنایع بود و ایران در دوره نهضت ملی کم‌ترین مقدار ماشین‌آلات و ابزار رسیده از شوروی را داشت (وزارت دارایی ۱۳۳۱: ۱۴۱).

یکی از پیشنهادهای اصلاح اقتصادی در مرام‌نامه حزب توده تقویت انحصارهای دولتی و مداخله بیش‌تر دولت در امور اقتصادی را طلب می‌کرد (غنی‌نژاد ۱۳۹۵: ۱۹۰). در این زمان، هرچند که انحصار واردات در دست دولت بود، ولی در بازار این کالاها گران‌تر از سایر اجناس عرضه می‌شد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ب). از نظر تجار نیز انحصار تجارت خارجی به‌هیچ‌وجه به نفع مردم نبود (روزنامه عصر اقتصاد ۱۳۳۰ ج) و عدم دخالت دولت بر واردات پیش‌نهاد می‌گردید.

۶. تشکیل اتحادیه اصناف

اتحادیه از افراد هر صنف به منظور حمایت از حقوق صنفی آن رسته شغلی و ایجاد همکاری در میان اعضای صنف تشکیل می‌گردد. اصناف و پیشه‌وران به عنوان یک طبقه شهری در مجلس اول در کنار انجمن‌های ملی به تشکیل انجمن اتحادیه اصناف پرداختند تا در چهارچوب این انجمن فعالیت کنند (دولت‌آبادی ۱۳۷۱: ۱۱۶). در دوره نخست‌وزیری رضاخان از «هیئت اتحادیه اصناف تهران» در انتقال قدرت از قاجار به پهلوی استفاده سیاسی شد (امیرطهماسب ۱۳۰۵: ۱۱۵)، ولی رضاشاه نظام صنفی را منحل کرد. در سال ۱۳۲۶، متولیان اصناف بازار برای مبارزه با حزب توده «اتحادیه اصناف بازار تهران» را در حمایت از دولت و دربار تشکیل دادند (مجله *اتاق بازرگانی تهران* ۱۳۳۸: ۲۶). گفتنی است که حزب توده نیز در این زمان «شورای متحده کارگری» را رهبری می‌کرد که ارگان آن روزنامه *ظفر* بود. در دوره نهضت ملی، بزرگان اصناف، که هوادار دولت بودند، در دستگاه‌های دولتی صاحب نفوذ شدند و به عنوان واسطه میان اصناف بازار و سازمان‌های دولتی عمل کردند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۴۳: ۳۶). بر همین اساس، «جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران تهران» در حمایت از دولت تشکیل شد. در تاریخ مدرن ایران، سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ تنها دوره طولانی مدتی است که در آن، اتحادیه‌های کارگری آزادی عمل داشتند. همین تلاش و مبارزه کارگران برای بالابردن سطح زندگی خود عاملی دخیل در تورم بود (آبراهامیان ۱۳۷۷: ۳۵۱). حزب توده نیز برای این که از رقابت در بین اصناف عقب نماند سعی داشت به دلیل نقش پررنگی که اتحادیه‌ها در روی دادهای سیاسی می‌توانستند داشته باشند از طریق تبلیغات در روزنامه *خلق* به تشکیل اتحادیه‌هایی به نفع خود اقدام کند. نویسندگان این روزنامه معتقد بودند که دولت‌های کنونی غیر از تصویب‌نامه و آیین‌نامه قدمی در راه مشکلات صاحبان صنایع و تولیدکنندگان داخلی بر نمی‌دارند. هم‌چنین، سازمان‌های اقتصادی دولتی، که پست‌های عالی آن را عده‌ای افراد بی‌اطلاع از اوضاع اقتصادی کشور اشغال کرده‌اند، جز ترجمه قوانین و مقررات خارجی و تبلیغات وسیع درباره پروژه‌های اقتصادی و غیره کاری نمی‌کنند؛ در نتیجه، تشکیل اتحادیه ضروری بود (روزنامه *خلق* ۱۳۳۲ ز؛ روزنامه *خلق* ۱۳۳۱ ی). صنفی که اتحادیه نداشت همیشه در معرض شرایط نامساعد اقتصادی قرار می‌گرفت. از اصناف این دوره از جمله چرم‌سازی، بلورسازی، کفاشی، صابون‌سازی، پارچه‌بافی، کش‌بافی، چای‌فروشی، نانوايي، آب‌نبات‌ریز، داروساز، نخ‌ریسی، دست‌فروش، عاملان قند و شکر، صنعت برنج، گوشت‌فروش، نجار، روغن‌کشی، پیراهن‌دوز، فلزکاری فقط داروسازان، نانویان، و کفاش‌ها دارای اتحادیه بودند. در

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۱۶۹

دوره نهضت ملی، صنف چلوکبابی‌ها و صنف قهوه‌خانه‌داران از جمله اصناف حامی دولت مصدق محسوب می‌شدند (عظیمی ۱۳۸۳: ۳۵-۳۷). بنابراین، در روزنامه به آن‌ها پرداخته نمی‌شد. ولی بیش‌ترین توجه در مقاله‌های روزنامه خلق در حمایت از اصناف کوچک‌تر و نفوذ در این اصناف جهت تأمین سیاست‌های کمونیستی شوروی و حضور آن‌ها در روی دادهای سیاسی به نفع حزب توده بود. با تلاش‌هایی که جمعیت آزادی ایران و روزنامه خلق انجام دادند تنها صنف چرم‌ساز (روزنامه خلق ۱۳۳۲ ه) و صنف دست‌فروش‌ها (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ز) تصمیم به تشکیل اتحادیه گرفتند. هم‌چنین، این جمعیت در انتخابات هیئت‌مدیره اتحادیه صنف کفاش در سال ۱۳۳۲ به موفقیت رسید (روزنامه خلق ۱۳۳۲ ز).

۷. راه‌کارهایی برای حل بحران اقتصادی

روزنامه خلق برای حل مشکلات اصناف به دو مورد تأکید بیش‌تری داشت. یکی قراردادهای پایاپای و دیگری توجه به وضعیت زندگی کشاورزان و روستاییان که درآمده به این دو مورد پرداخته می‌شود.

۱.۷ قراردادهای پایاپای

در ایران، درآمد نفت از دیرباز منبع اصلی درآمدهای ارزی، عایدات دولت، پسرانداز، و سرمایه‌گذاری بوده است. در دوران تحریم نفت، نخستین و آنی‌ترین تأثیر قطع درآمد نفتی کاهش شدید عایدات ارزی بود. در سال ۱۳۳۰، دولت واکنش سریع به کاهش موجودی ارز نشان داد و آن اعلام محدودیت‌های کمی برای واردات از طریق سهمیه‌بندی بود (رجبی ۱۳۹۴: ۱۹). تجارت پایاپای مخلوق تحریم و بی‌ارزی مصدق بود. در نتیجه، الگوی تجارت ایران تغییر چشم‌گیری کرد. این تغییرات تاحدی بازگشت به الگوی تجارت ایران در زمان پیش از جنگ جهانی دوم را نشان می‌داد. در این دوره، کشورهایمانند اتحاد جماهیر شوروی و آلمان غربی نقش برجسته‌تری یافتند و سهم این دو کشور از کل واردات ایران افزایش چشم‌گیری داشت. همین دو کشور جای بریتانیا را هم گرفتند و به خریداران اصلی صادرات غیرنفتی ایران مبدل شدند (همان: ۲۷). روزنامه‌های توده‌ای نیز در این زمینه مطالبی داشتند. پس از انعقاد قرارداد تجارتی پایاپای ایران و مجارستان علاقه شدید پیشه‌وران به این قرارداد به‌نمایش گذاشته شد که بهبودی محسوسی در وضع اقتصادی کشور حاصل و بی‌کاری و رکود بازار برطرف شد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ز). مصلحت، روزنامه توده‌ای دیگر،

توسعه روابط اقتصادی ایران با اتحاد شوروی را گام بزرگی در راه غلبه بر مشکلات مالی و شکستن محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها بیان می‌کرد (روزنامه مصلحت ۱۳۳۲: ۱). چنین رویکردی به قرارداد بازرگانی ایران و چکسلواکی نیز وجود داشت (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ح). با تشکیل کنفرانس بین‌المللی اقتصادی در مسکو و نتایج حاصل از آن، که جلوی ورود سیل آسای کالاهای آمریکایی و انگلیسی را می‌گرفت، به‌عنوان یک عامل مهم در گسترش معاملات پایاپای برشمرده شد (روزنامه شهباز ۱۳۳۱ ب). بر اثر نبودن یک نقشه صحیح اقتصادی و هماهنگ نبودن دستگاه‌های تولیدی دولت، قند و شکر در اختیار چند نفر در بازار سیاه قرار می‌گرفت و جیره‌بندی می‌شد (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ب). در نتیجه، با انعقاد قراردادهای پایاپای امکان هرگونه سوءاستفاده محترکان و افزایش قیمت از بین می‌رفت و مضیقه ارزی دولت بهبود می‌یافت (روزنامه پیشه‌وران ما ۱۳۳۲ الف). در ادامه، بین انعقاد قراردادهای پایاپای و تأمین منافع ملی پیوند برقرار می‌شد و این امیدواری وجود داشت که قراردادهای پایاپای صنایع ملی و تولیدکنندگان داخلی را به تولید بیش‌تر ترغیب کند (روزنامه شهباز ۱۳۳۱ د؛ روزنامه خلق ۱۳۳۱ ع؛ روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱ ب). هم‌چنین، یکی از تقاضاهای پیشه‌وران و بازرگانان قراردادهای پایاپای بیان می‌شد (روزنامه خلق ۱۳۳۰ ی). این تلاش‌ها برای افزایش رتبه تجارت ایران با شوروی صورت می‌گرفت؛ زیرا در دوره نهضت ملی شوروی در رتبه ۳۲ تجارت با ایران قرار داشت (وزارت دارایی ۱۳۳۱: ۱۴۸).

۲.۷ توجه به زندگی کشاورزان و بالابردن قدرت خرید آن‌ها

این روزنامه برای حل مشکلات اصناف توجه به وضعیت زندگی کشاورزان را نیز پیش‌نهاد می‌کرد که ۹۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند. نویسندگان در مقاله‌های مختلف با تأکید بر این موضوع از دولت می‌خواستند برای سامان‌دادن وضع نابه‌سامان اقتصادی به بالابردن سطح تولید کشاورزی از طریق واگذاری زمین به روستاییان و کمک‌های فنی و مالی به آنان و ماشین‌کردن کشاورزی اقدام کند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ک؛ روزنامه خلق ۱۳۳۲ ب). البته تأکید بر کشاورزی صنعتی در جهت سیاست‌های اقتصادی کمونیسم شوروی بود. اعتبار بانک‌های رهنی و کشاورزی و بالا رفتن نرخ سود سرمایه در بازار باعث می‌شد تا کشاورزان نتوانند از تسهیلات استفاده کنند (اسناد مجلس شورای اسلامی ۱۳۳۱: پرونده ۴۳/۰۹۱۶۰/۰۰۰۱۰/۵۵). برای رفع این مشکل دولت ۱۰ درصد سهم اعتبارات کشاورزان را افزایش داد (روزنامه شهباز ۱۳۳۱ ج) که از نظر مطبوعات حزب توده ناکافی به‌نظر می‌رسید.

نویسندگان مقالات معتقد بودند نه تنها باید اراضی از دست مالکان بزرگ خارج شود، بلکه بر دادن بذر مناسب به کشاورزان، ماشین های فلاحی، و استفاده از وام های مدت دار تأکید داشتند (روزنامه خلق ۱۳۳۱ ک).

۸. نتیجه گیری

پس از تجار در گروه های اقتصادی بازار می توان به اصناف اشاره کرد که با حضور گسترده در مشروطه و مجلس اول از نقش سستی خود فاصله گرفتند و قدرت دسته جمعی خود را نشان دادند. در دوره پهلوی اول، اصناف به عنوان یکی از گروه های اجتماعی شهری دست خوش تغییراتی در نظام مالیاتی، واردات کالا، و ناتوانی در رقابت با محصولات خارجی گردیدند. این روند در دوره پهلوی دوم همراه با مسائلی دیگر از جمله اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم و تشکیل حزب توده ادامه یافت. توجه به قشرهای ضعیف جامعه در برنامه حزب توده قرار داشت و برای گسترش فعالیت های خود به انتشار روزنامه های مختلف سیاست، مردم، ظفر، شهباز، رزم، به سوی آینده، و خلق پرداختند. روزنامه خلق در دوره نهضت ملی ارگان جمعیت آزادی ایران به صاحب امتیازی مصطفی لنگرانی بود که به مسائل مختلف اصناف برای جذب آنها به حزب توده توجه نشان داد. از مجموعه یافته ها چند محور اصلی از جمله واردات بی رویه کالا، کمبود و گرانی مواد اولیه، عدم دریافت اعتبار از بانک ها توسط اصناف، قاچاق کالا، و افزایش اجاره بها و مالیات مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعه این محورها مبین آن است که در دوره نهضت ملی سیاست اقتصادی دولت بحرانی را به دنبال داشت که اصناف نیز از آن به دور نبودند. اساس اعتراض روزنامه خلق به واردات بی رویه کالا به داخل کشور بود، ولی حقیقت این است که دولت مصدق ارز کافی برای این امر در اختیار نداشت و هم چنین سیاست گذاری های این دولت نشان می دهد که اصولاً اراده و تصمیمی برای انجام چنین چیزی را هم نداشت. با این حال، این روزنامه سعی کرد با بیان مشکلات اصناف نشان دهد که واردات بی رویه کالا، تعطیلی کارگاه های تولیدی، و گرانی مواد اولیه، عدم تعادل صادرات و واردات، و تبدیل بازار به مصرف کننده کالاهای خارجی را در پی داشته است. در نتیجه اصناف نتوانستند در رکود بازار از اعتبار بانک ها استفاده کنند تا بتوانند در رقابت خردکننده کالاهای وارداتی و قاچاق خود را از ورشکستگی نجات دهند. هم چنین، این روزنامه تأکید داشت بی توجهی به مشکلات اصناف، از جمله افزایش مالیات و اجاره بها، در جهت تأمین مصالح مالکان بزرگ عمل کرد و باعث شد اصناف به دلیل عدم توانایی در پرداخت بی کار

شوند و به دست‌فروشی روی آورند. پس از تصمیمات اقتصادی دولت در تجارت پایاپای روزنامه خلق نیز به ارائه توصیه‌هایی در این زمینه برای جلوگیری از خروج ارز و توجه به معیشت کشاورزان برای بهبود وضعیت اصناف در ظاهر پرداخت. ولی درواقع تمام این تلاش‌ها برای تأمین سیاست‌های کمونیسم شوروی در دوره نهضت ملی بود.

جدول ۱. وابستگی اصناف

عنوان	توضیحات
واردات بی‌رویه و قاچاق کالا	منسوجات، بلور، داروسازی، دست‌فروشی، کش‌بافی، رنگ‌رزی، فلزکاری، دوزندگی، چاپ‌خانه‌ها، صابون‌سازی، روغن‌کشی
گرانی مواد اولیه	چرم‌سازی، کفشی، نانوائی، برنج‌کاری، کش‌بافی
دزدی، رشوه، و عدم دریافت وام	چرم‌سازی، چای‌فروشی، گوشت‌فروشی، قند و شکر

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آپتون، جوزف ام. (۱۳۶۱)، *نگرشی بر تاریخ نوین ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نیلوفر.
- آوری، پیترو (۱۳۸۲)، *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران: زمینه.
- اشرف، احمد (۱۳۷۵)، «نظم صنفی، جامعه مدنی، و دموکراسی در ایران»، فصل‌نامه گفت‌وگو، ش ۱۴.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۷)، *طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- بختیار، تیمور (۱۳۳۶)، *سیر کمونیسم در ایران*، تهران: کیهان.
- پروشانی، ایرج و دیگران (۱۳۸۹)، *بازار در تمدن اسلامی*، تهران: کتاب مرجع.
- پیردیگار، ژان پیر و دیگران (۱۳۸۷)، *ایران در قرن بیستم*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- حزب توده ایران (۱۳۶۰)، *اسناد و دیدگاه‌ها*، تهران: حزب توده.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۴)، *تاریخ مشروطیت اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان.

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۱۷۳

رجبی، بهرنگ (۱۳۹۴)، اقتصاد تحریم نفت، تهران: دنیای اقتصاد.

روزنامه اطلاعات (۱۳۳۱ ش الف)، ش ۷۸۰۲.

روزنامه اطلاعات (۱۳۳۱ ش ب)، ش ۷۷۷۸.

روزنامه بهسوی آینه (۱۳۳۱ ش)، ش ۷۶۰.

روزنامه پیشه‌وران ما (۱۳۳۲ ش الف)، ش ۸۰.

روزنامه پیشه‌وران ما (۱۳۳۲ ش ب)، ش ۸۱.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش الف)، ش ۱.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ب)، ش ۳.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ج)، ش ۴.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش د)، ش ۶.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ه)، ش ۷.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش و)، ش ۱۳.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ز)، ش ۱۵.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ح)، ش ۱۷.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ط)، ش ۱۹.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ی)، ش ۲۰.

روزنامه خلق (۱۳۳۰ ش ک)، ش ۳۵.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش الف)، ش ۱۹.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ب)، ش ۲۳.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ج)، ش ۲۵.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش د)، ش ۳۴.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ه)، ش ۳۷.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش و)، ش ۳۸.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ز)، ش ۳۹.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ح)، ش ۴۱.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ط)، ش ۴۲.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ی)، ش ۴۳.

روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ک)، ش ۴۵.

- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ل)، ش ۴۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش م)، ش ۴۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ن)، ش ۴۹.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش س)، ش ۵۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ع)، ش ۵۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ف)، ش ۵۴.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ص)، ش ۵۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ق)، ش ۵۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ر)، ش ۶۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ش)، ش ۶۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ت)، ش ۶۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ ش ث)، ش ۶۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ ش الف)، ش ۶۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ ش ب)، ش ۶۹.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ ش ج)، ش ۷۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ ش د)، ش ۷۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ ش ه)، ش ۷۲.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ ش و)، ش ۷۴.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ ش ز)، ش ۷۸.
- روزنامه شهیار (۱۳۳۱ ش الف)، ش ۳۹۸.
- روزنامه شهیار (۱۳۳۱ ش ب)، ش ۱۹۱.
- روزنامه شهیار (۱۳۳۱ ش ج)، ش ۴۰۶.
- روزنامه شهیار (۱۳۳۱ ش د)، ش ۴۶۰.
- روزنامه صفدر (۱۳۳۱ ش)، ش ۲۶.
- روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ ش الف)، ش ۶۱.
- روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ ش ب)، ش ۶۲.
- روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ ش ج)، ش ۶۴.
- روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ ش د)، ش ۸۵.

روزنامه کیهان (۱۳۳۱ ش الف)، ش ۲۷۰۹.

روزنامه کیهان (۱۳۳۱ ش ب)، ش ۲۷۶۶.

روزنامه کیهان (۱۳۳۱ ش ج)، ش ۲۷۸۲.

روزنامه کیهان (۱۳۳۱ ش د)، ش ۲۹۱۲.

روزنامه کیهان (۱۳۳۱ ش ه)، ش ۲۷۱۱.

روزنامه کیهان (۱۳۳۱ ش و)، ش ۲۷۰۷.

روزنامه کیهان (۱۳۳۲ ش الف)، ش ۲۹۵۷.

روزنامه کیهان (۱۳۳۲ ش ب)، ش ۲۹۹۸.

روزنامه مصلحت (۱۳۳۲ ش)، ش ۱۳۵.

روزنامه نیروی سوم (۱۳۳۱ ش)، ش ۴۲.

شیرین بخش، زهره (۱۴۰۰)، چالش های اصناف در دوره پهلوی اول، تهران: تاریخ معاصر.

صدرزاده، ضیاءالدین (۱۳۴۶)، صادرات ایران از دیدگاه رشد اقتصادی، تهران: شمس.

عظیمی، فخرالدین (۱۳۸۳)، حاکمیت ملی و دشمنان آن، تهران: نگاه آفتاب.

غنی نژاد، موسی (۱۳۹۲)، صنایع کهن در دوره قاجار، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.

غنی نژاد، موسی (۱۳۹۵)، اقتصاد و دولت در ایران، تهران: اتاق بازرگانی صنایع، معادن، و کشاورزی.

فوران، جان (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

کسروی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: صدای معاصر.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۳۳۱)، پرونده ۴۳۱/۰۹۱۶۰/۰۰۰۱۰/۵۵،

کشاوری، فریدون (۱۳۷۹)، خاطرات سیاسی، به کوشش علی دهباشی، تهران: آبی.

کیوانی، مهدی (۱۳۷۹)، پیشه‌وران و زندگی صنفی آن‌ها در عهد صفویه، ترجمه یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر.

لمبتن، آن (۱۳۶۰)، نگرشی بر جامعه اسلامی در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۱۵۰.

وزارت دارایی (۱۳۳۱)، آمار بازرگانی کشور شاهنشاهی ایران، تهران: بانک ملی.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، سرنوشت یاران مصدق، تهران: علمی.

همراز، ویدا (۱۳۸۱)، بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن، تهران: وزارت امور خارجه.

